

رایبورت آن تقدیم مجلس شده است تقاضا می کنم آن اصلاح هم جزء دستور شود.

رئیس - در قسمت پنجم دستور سه شبه میگذاریم.

آقای جلیل الملك (اجازه)

جلیل الملك - قرارداد تجارتي ایران و مصر مدتی است طبع شده تقاضا می کنم زودتر جزء دستور گذارده شود که تکلیف تجارتي ایران معلوم شود

رئیس آقای نصیر دیوان (اجازه)

نصیر دیوان - لایحه امتیاز گل سرخ از کمیسیون فوائد عامه گذشته و طبع و توزیع هم شده است و چون باید از اول حمل مشغول کار شوند استدعا می کنم زودتر در دستور گذارده شود

رئیس - دستور روز سه شبه خیلی سنگین است ممکن است روز سه شبه تقاضا کنید جزء دستور یکی از جلسات بعد شود

وزیر مالیه - بنده عریضی داشتم ولی چون وقت گذشته و عریض بنده هم مفصل است.

لذا روز سه شبه در اول جلسه عرض خواهم کرد.

ولی راجع بفرمایش آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند گمان می کنم عدم اطاعت اعضای پست بیشتر بمملکت تحمیل شود تا عدم تنظیم وزارت مالیه

(مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس - مؤتمن الملك

صورت مشروح مجلس

سه شبه چهارم جدی ۱۳۰۱ مطابق هفتم جمادی الاولی ۱۳۴۱

مجلس - دو ساعت و ربع قبل از ظهر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید (صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه دوم جدی را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - صورت جلسه قدری مفصل است بعد از این باید مختصر تر نوشته شود

ارباب کیخسرو - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - چون مسئله قانونی بود از این جهت مجدداً آقای وزیر پست عرض کردم که ملاحظه حفظ قانون مقدم بر نظر وزیر پست یا رئیس پست است و این جمله لازم است ذکر شود و چون اظهاری که ایشان فرمودند فی الواقع يك نقض قانونی بوده باین جهت این اعتراض بنده باید قید شود

رئیس - دیگر ایرادی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - ماده الحاقیه بعهد نامه ایران و افغان مطرح است . آقای حاج میرزا - مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده در دستور عرضی داشتم چون رایرت راجع باعتبار - نامه آقای دانش از شبه دوم داده شده است خواستم تقاضا کنم اگر ممکن است جزء دستور شود

رئیس - هنوز رایرتش نرسیده است (ماده الحاقیه بعهد نامه ایران و افغانستان را آقای امیر ناصر بشرح آتی قرائت نمودند)

فصل سوم - همچنین طوایف و ایلاتی که سابقاً از ایران با افغانستان رفته اند کما فی السابق تبعه دولت متوقف فیها میباشند و بدون اینکه تداکر خود را بامضای مأمورین انران برسانند حق ورود بخاک ایران را نخواهند داشت چنانکه همین ترتیب نظیراً

موافق فصل دوم الحاقی نسبت بکلیه طوایف و ایلاتی که سابقاً از افغانستان بایران آمده اند مجری خواهد شد افرادی که از ایران قبل از تاسیس سفارت ایران در کابل با افغانستان رفته سکنی اختیار کرده اند کما فی السابق تبعه افغانستان شناخته میشوند - تجاریکه فقط برای معاملات تجارتي از - ایران با افغانستان مسافرت نموده اند در افغانستان اقامت دائمی اختیار نکرده اند و نیز بموجب اسناد محقق است که در دوایر رسمی افغانستان با آنها معامله تبعه افغانستان نشده است تبعه ایران شناخته خواهند شد

رئیس - اعتراضی ندارد؟ آقای نصیر دیوان (اجازه) نصیر دیوان - یکدفعه دیگر قرائت شود

رئیس - شور اول است اگر ایرادی دارید باید مطابق ماده ۳۲ نظامنامه اظهار نمائید اعتراضی نیست؟ (گفته شد خیر)

رئیس - باید رای بگیریم که شور دوم بشود یا نشود اگر تصویب میکنید قیام نمائید (جمع کنیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده . کنترات د کتر ویلهلم مطرح است مذاکرات در کلیات است . آقای حائری زاده مخالفند

حائری زاده - بنده راجع بشخص د کتر ویلهلم شنیده ام که جراح خوبی است و با استخدام او هم مخالف نیستم ولی چون این شخص و چند نفر دیگر از یاد گاریهای روزگار قرارداد است که از فرانسه استخدام کردند من عقیده دارم که د کتر را باید برای رفع حوائج مردم کنترات کرد نه از نقطه نظر سیاسی باین جهت بنده باتجدید کنترات آقای د کتر ویلهلم مخالف هستم

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه) محمد ولی میرزا - بنده از فرمایشات

آقای حائری زاده تعجب میکنم و نمیدانم مطابق کدام قراردادی که ما بابت دولت جمهوری فرانسه داشتیم مستخدم اجیر کردیم بنده در کمیسیون بودجه بودم در آنجا هم چون چیزی مطرح نشد که د کتر ویلهلم از نقطه نظر سیاسی کنترات شده است بلکه فقط از نقطه نظر این که محتاج بیک نفر جراح بودند بکنفرانس از فرانسه استخدام کردند و هیچ عنوان قرارداد سیاسی در بین نبود

رئیس - يك پیشنهادی آقای شیخ الاسلام کرده اند قرائت میشود (بشرح آتی قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم که اخذ رای در کنترات د کتر ویلهلم تأخیر شود و از طرف مجلس شورای ملی شرحی نوشته شود بوزارت علوم که مجلس تشکیل نمایند با حضور وزیر علوم مرکب از آقای مشیرالدوله و سه نفر الی پنج نفر از د کتر های نمره اول ایرانی مثل آقایان امیر اعلم واعلم الملك و لقمان الملك و حکیم اعظم و علائی و دونفر از رؤسای ادارات وزارت معارف مثل آقایان میرزا عبدالمعظم خان و فروغی و در این مجلسی مطالعات کامل در اطراف عملیات د کتر ویلهلم بکنند که معلوم شود این د کتر در سه سال استخدام دولت ایران و گرفتن دوازده هزار تومان اجرت چه کرده و در نتیجه سه مطلب را تعیین کنند اول اینکه این د کتر در این سه سال چند وقت مشغول تدریس بوده

دوم اینکه در این سه سال چند نفر شاگرد تربیت کرده .

سوم آنکه تقریباً استفاده هر يك نفر شاگرد چه بوده و صورت مجلس را به مجلس شورای ملی بفرستند که طبع و بین آقایان نمایندگان توزیع شود پس از آن در مجلس بکنترات د کتر ویلهلم اخذ رای شود

(شیخ الاسلام اصفهانی)

رئیس - توضیحاتی دارید؟

شیخ الاسلام - بلی . چند کلمه عرض می کنم .

رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام - بنده منکر علم نیستم منکر تعلیم و تعلم هم نیستم آقای مامسلما نها از تمام بزرگان اولین و آخرین زیادتر سفارش در تعلیم و تعلم کرده است

این علمی هم که جدیداً در دنیا عرض اندام کرده است باید هر ملتی داشته باشد و در دنیای امروزه هر ملتی دارای علم نباشد محکوم است و معلومات امروزه را اعم از اینکه برای جنس بشر نافع باشد یا نباشد باید دارا باشد اما حالا حرف در سر این است که ما بچه طریق تحصیل علم کنیم . طریقش منحصر به سه قسم است .

یا باید معلم بیاوریم که عملاً بایر آنها تعلیم بدهند مثل اینکه تمام ضایع ایران ما تا با امروز تحصیلش بهمین قسم بوده است و هیچ نجار و آهنگر و نقاش نرفته است که درس نجاری و آهنگری و نقاشی بخواند فقط در زیر دست يك استاد تعلیم گرفته و نجاری را آموخته و کم کم استاد شده است يك قسم هم اینکه معلم بیاوریم و ایرانی هارا تعلیم بدهد و عملاً تربیت کند يك قسم هم این است که جوانان مان را با اروپا به فرستیم که تحصیل نموده و مراجعت نمایند دو قسم این را ما تا امروز تجربه کرده ایم ولی بجائی نرسیده ایم فردا را نمی دانم چه میشود آن معلم عملی را آوردیم و جز ضرر و زیان تا با امروز چیزی ندیده ایم باز تکرار میکنم فردا را نمیدانم

طریق دوم را هم تا يك اندازه مشی کرده ایم و معلم هم آوردیم و هیچ استفاده نکردیم بنده سابقاً هم بعرض مجلس رساندم و قبل از این سفری که کردم عقیده ام این بود که از مستشار چشم ببوشیم و جوانان را هم بخارجه بفرستیم و معلم بیاوریم ولی وقتیکه اینجا آمدیم دیدم از وجود این معلمین که هستند ابداً آفایده ای نمی بریم و اگر هم بخوایم باز معلم بیاوریم یقیناً بهتر از این ها را نخواهند داد بعد عقیده ام این شد که جوانان را بفرستیم بخارجه ولی در تحت يك مراقبتی بروند و تحصیل نمایند ولی حالا

در باب د کتر ویلهلم نظریات آقایان مختلف است شاید بعضی با بنده هم عقیده باشند ولی باقی دیگر را نمیدانم بنده بودن این جناب د کتر را ولو اینکه جراحی را هم خوب بلد باشد لازم نمیدانم حالا بعضی هم هستند که معتقدند وجود این د کتر برای ایران نافع است ولی این مطلبی که بنده پیشنهاد کردم برای این است که اولاً ما ها از اشتباه خارج شویم یعنی اگر بنده اشتباه کرده باشم و حقیقتاً این د کتر خدمتانی بمملکت ما کرده است از اشتباه بیرون بیایم و اگر چنانچه آقایان اشتباه کرده باشند و جناب د کتر خدمت به مملکت ما نکرده باشد آقایان از اشتباه دریابند و این د کتر برود بی کارش و گذشته از این اروپائی ها هم کم کم باید بدانند که در ایران حساب و رسیدگی پیدا شده است و دیگر خروار خروار پول به آنها نمی دهند که ببرند و باز کنتراتشان را تجدید کنند بدون اینکه حسابی در کار باشد این است که بنده از آقایان استدعا میکنم بک قدری با بنده

همراهی بفرمایند و این پیشنهاد را تصویب نمایند و به نشینند و رسیدگی و تقش کنند و به بینند این دوازده هزار تومان که از ما تا بحال گرفته است چه کرده و بگویند آقای د کتر ما میخواهیم دوازده هزار تومان دیگر هم بشما تقدیم کنیم ولی باید ببینیم تا بحال شما چه خدمتی باین مملکت کرده اید تا ما هم مسبوق شویم دوازده هزار تومان دیگر

بامتنان بشما بدهیم
حاج نصیر السلطانه - رعایت ماده
 ۶۳ نمیشود
رئیس - (خطاب به شیخ الاسلام)
 چون هر روز تغییر رأی میدهد بهتر این
 است که بماند فردا به بنیم فردا چه میشود
شیخ الاسلام - بنده اینطور عرض
 نکردم عرض کردم تا امروز ما از مستشار فایده
 ندیده ایم بعد از آنمیدانم
رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد
 آقای شیخ الاسلام آقایانیکه تصویب میکنند
 قیام نمایند
 (عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - رد شد آقای آقا سید
 تقوی

(اجازه)

آقا سید یعقوب - این کلمه را که بنده
 عرض میکنم آقایان توجه بفرمایند بنده مکرره
 عرض کرده ام و حالا هم عرض میکنم خجالت
 هم نمی کشم عرض میکنم از حیث علم ما
 فقیر هستیم و مسلماً هر جاهلی هم رجوع به
 عالم میکند حالا اگر آقای حاج شیخ اسدالله
 خندشان میگیرد بگیرد ولی بنده میگویم ما
 محتاج هستیم و فقر علمی داریم و باید رجوع
 کنیم بسوی علماء و آن چیزهایی که ما از
 حیث آن فقیر هستیم از آنها کسب کنیم
 ولی در مسئله علم طب چنانچه آقایان
 میدانند مبداء علم طب اول از ایران بوده
 است و در دوره اسلامی علمای بزرگی در
 اسلام در علم طب پیدا شده اند و کتب بسیار
 بزرگی تدوین کرده اند که میتوان بگویم
 آن کتب حالیه محل مرجع علمای طب جدید
 است مثل کتاب محمد بن زکریای رازی و
 شیخ الرئیس و علمای بزرگ دیگر ولی در
 این دوره راجع بسایر علوم جدید از قبیل
 هندسه شیمی و فیزیک و چیزهای دیگر
 جوانان ما راجع بخارجی کردند و رفتند و
 تحصیل کردند

ولی هنوز در آنها متخصص نشده اند
 چون از هندسه و فیزیک و شیمی متخصص
 نیستند و نمیتوان بگویم چون تمیز نمی
 توانم بدهم لکن مسئله طب و مزاج چیزی
 است که تمام ماها از جاهل و عالم مبتلی
 باوهستیم بنده ملاحظه می کنم آنچه را که
 خودم تجربه کردم قریب یک قرن است که
 در ایران جوانان ما رفتند و این علم را
 تحصیل کردند و برگشتند و بنده می بینم
 که متخصص در این فن شده اند و گمان
 می کنم در این فن دیگر ما محتاج به کثرات
 دکتر و یلهم نباشیم چون در ایران اشخاصی
 داریم که اگر از دکتر و یلهم بالاتر نباشند
 نیست تر هم نیستند و خودتان هم تصدیق
 دارید و اطبای حاذق و ما هر در ایران داریم از
 قبیل علائی و حکیم اعظم و امیر اعلم و لقمان الدوله
 اینها یک اطبائی هستند که متخصص نیستند
 ولی در علوم که ما محتاج هستیم و متخصص
 نداریم باید از خارجه متخصص بیاوریم و

بنده همراه هستم که پول هم خرج کنیم و
 زحمت هم بکشیم و جلب کنیم از وجود
 آنها استفاده کنیم
 لکن آنها نیکه در ایران هستند و از
 مال خودشان برده اند و خرج کرده اند و
 دارای این علم شده اند ما باید آنها را
 تشویق کنیم و آنها را سرکار بیاوریم و در
 صورتیکه خودمان متخصص داریم لازم نیست
 از خارجه دکتر بیاوریم همین علائی را
 ببریم مدرس کنیم در مدرسه طب درس بدهد
 یا دکتر سعیدخان کردستانی را (اگرچه
 بنده نمی خواهم بر سبیل اشخاص عرض کنم)
 ببریم معلمش کنیم

همچنین دیگران که در فن طب
 زحمات کشیده اند انصاف بدهید آیا نباید
 اینها را تشویق کنیم در مقابل آن زحماتی
 که کشیده اند و این مقام را حائز شده اند؟
 آیا باید برویم دکتر خارجی بیاوریم؟ حالا
 اگر بعضی میل دارند بفرستند بفارس و
 آذربایجان و اشخاصی را که در مرکز داریم
 تشویق کنیم تا اینکه ایرانی ها بسر شوق
 بیایند و از سرمایه خودشان بروند تحصیل
 کنند و به درد مملکت بخورند بنده نمی
 گویم که دکتر و یلهم بد است ولی بنده
 میگویم نسبت بسایر اطبای ایرانی که در
 طهران هستند و خیلی هم متخصص هستند
 انصاف کشی و بی عدالتی کرده ایم ما باید
 از وجود آنها استفاده کنیم والا مسلماً روح
 دانش را خواهیم کشت

(خنده بین و کلاه)

و دیگر اینکه قطع نظر از اینکه مبالغی از
 دولت باسم حقوق میگیرند و پس از چهار
 سال پنج سال مبالغی از ثروت ما را می برند پس بد
 نیست عوض این کار ایرانی های خودمان
 را تشویق کنیم و در مقابل تخصص خودمان
 کسان دیگر را بیاوریم والا بکلی اصول
 تشویق و قدر دانی از مملکت می رود مردم
 دلسرد می شوند از این نقطه نظرها که
 عرض کردم بنده با این راپرت مخالف هستم
 نه از نقطه نظر آقای حائری زاده که بمجرد
 اینکه یک صحبتی در مجلس میشود میگویند
 راجع بقرارداد است وفلان وفلان آقا این
 مسئله جلب متخصصین است ربطی بعالم
 قرارداد و لاهوت و ناهوت ندارد و در خانه
 عریضم باز عرض می کنم که بنده چون
 می بینم که در مملکت خودمان در این فن
 متخصص داریم دیگر محتاج بکثرات دکتر
 و یلهم نیستیم

ولی در چیزهاییکه متخصص نداریم
 پیشنهاد بفرمائید بنده هم همراه هستم ولی
 در چیزهاییکه متخصص داریم اگر برویم
 از خارج متخصص بیاوریم و منافع مملکت
 را آنها ببرند جداً مخالف هستیم این بود
 عریض بنده

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا يك قسمت از عریض
 بنده گفته شد و يك قسمت دیگرش را اصلاح
 نمی دانم در مجلس عرض کنم بهتر این است
 که رأی گرفته شود

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد
 (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی -
 بنده مخالفم

رئیس - آقای تدین
 (اجازه)

تدین - بیانات آقای آقا سید یعقوب
 را وقتی بخوایم تجزیه کنیم بچند جزء
 تجزیه می شود که بنده بایکدیگر متناقض
 می دانم

اولاً فرمودند چون ایشان متخصص
 نیستند نمیتوانند متخصصین تمیز بدهند بعد
 فرمودند ما يك عده متخصص را داریم و در
 نتیجه هم اظهار فرمودند که اساساً دکتر
 و یلهم مخالف نیستیم ولی عقیده ام این است
 که در مرکز نباشد و برود در ولایات اینها
 تمام باهم متناقض است و بنده از کایه
 فرمایشات ایشان تصور می کنم مقصود عده که
 داشتند همان قسمت اخیر بود که جواب آقای
 حائری زاده را بدهند

علی ای الحالد کتر و یلهم در اینکه مطابق
 تصدیق مطلعین و اشخاصیکه طرف اعتماد
 هستند یک نفر متخصص در جراحی است
 جای شك و شبهه نیست بلکه مطابق تصدیق
 مطلعین از چندین سال قبل تا کنون دو
 نفر دکتر از برای مدرسه طب تهران استخدام
 شده است یکی دکتر یراک و یکی دکتر
 و یلهم اینها از بهترین معلمین مدرسه طب
 بوده اند که در ایران آمده اند کتر یراک
 قبل از انقضای مدت کثرتش نخوست اینجا
 بماند و استعفا داد و رفت ولی و یلهم باقی ماند
 و این شخص معلم يك شبهه از طب است
 که جراحی باشد و علاوه بر این قریب يك
 سال است که از طرف وزارت معارف مجاناً
 متصدی اداره کردن يك مریضخانه شده است
 که گویا مریضخانه وزیری باشد و روزها هم
 يك قسمت وقت خودش را در مریضخانه مجاناً
 صرف معالجه مرضای فقیر میکند. آقای آقا
 سید یعقوب اظهار فرمودند که ما از خودمان
 اطبای بزرگ داریم بنده هم تصدیق میکنم
 و جای هیچ انکاری نیست ولی این راهم
 باید بدانید که طب به شصت اساس تجزیه
 میشود و هر شعبه اش یک نوع متخصص می
 خواهد و آن متصدی باید دکتر در آن
 شعبه باشد و الا مثل اطبای سابق میشود
 که هر مرضی برود بمطب او او شروع میکند
 به معالجه و منتهی میشود بهمان مثل معروف
 که بیطار معالجه چشم میکرد. شصت اساس
 طب از هم مجزا است در تحصیلات مقدماتی
 طب این شعب را تعلیم میدهند ولی در
 تحصیلات موخراتی اختصاص است مثلاً کمال
 فقط و فقط باید در شبهه کجالی تخصص پیدا
 نماید و اگر بگوید در امراض عصبانی هم

متخصص هستم نباید از او پذیرفت بهمین
 جهت است که امروز اغلب از دکتر های
 ایرانی خودمان هم در مدرسه طب تدریس
 میکنند مثل آقای دکتر امیر اعلم و دکتر
 لقمان الدوله و دکتر لقمان الملك و دکتر
 حکیم اعظم و غیره و از معلمین اروپائی
 فقط چند نفر در آنجا تدریس میکنند آقای
 امیر اعلم يك شعبه خاصی را تدریس می
 کنند نه اینکه جراحی را بلد نباشند خیر
 خیلی خوب بلد هستند اما در آن شعبه که
 ایشان تدریس میکنند تخصصشان بیشتر
 است آقای دکتر حکیم اعظم هم در شعبه
 دیگر متخصص تر است هکذا آقای لقمان -
 الدوله و سایرین ما هم دکتر داریم و هم

احتیاج داریم باین شعبه جراحی و هیچ
 منافات ندارد که هم دکتر های خودتان
 مشغول کار باشند و هم دکتر های اروپائی
 تدریس نمایند شاگردان مدرسه طب هم
 از دکتر و یلهم راضی هستند و اما حقیقتاً
 يك اشخاص متخصص در جراحی پیدا نکنیم
 ناچاریم که از ذکتها و معلمین اروپائی
 استفاده کنیم باین جهت است که بنده مطابق
 اطلاعاتی که دارم حتی از خود محصلین
 طب (که بیشتر میفهمند آیا معلم خوب
 تدریس میکند یا بد و زحمت میکشد یا نمیکشد)
 سؤال کردم و تحصیل اطلاع نمودم چون
 خودم شخصاً دکتر و یلهم را نمی شناسم و
 شاید او هم شخصاً را نشناسد ولی اطلاعات
 بنده مشعر است بر اینکه این شخص تا
 کنون بوظایف خودش قیام کرده است
 علاوه بر این مدتی است که در مریضخانه
 وزیری هم مشغول معالجه است و مجاناً
 خدمت میکند و اینکه ملاحظه بفرمائید در
 لایحه کثرتش چهار هزار و پانصد تومان
 مقرر شده است پانصد تومان آن امسال در
 ازای خدماتی که اضافه قبول کرده است
 علاوه شده یعنی اینطور به بنده توضیح
 دادند بنا بر این بنده تصور میکنم قبول کردن
 و ادامه دادن به کثرات دکتر و یلهم بحال
 امروزه مملکت نافع است و مضر بحال دیگران
 هم نیست و در مدرسه طب از وجود سایر
 دکتر های ما هم استفاده میکنند چنانچه اگر
 آقای آقا سید یعقوب بصورت معلمین مدرسه طب
 مراجعه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود
 که متجاوز از بیست نفر معلمین ایرانی که
 دکتر هستند در آنجا تدریس میکنند

رئیس - آقای آقا میرزا عبدالوهاب
 اجازه

حاج میرزا عبدالوهاب بنده هم مخالفم
 ولی گویا آقای حاج میرزا علی محمد بر
 بنده مقدم باشند

رئیس - اسم جناب عالی ثبت شده است
 حاج میرزا عبدالوهاب - بلی شاید
 بیرون اجازه خواسته ام عرض میکنم که دکتر
 و یلهم از قراری که بنده شنیده ام جراح
 خوبی است ولی درجه معلمی ندارد و ما برای

مدرسه طب یکنفر میخواستیم که بدرد معلمی بخورد و الا جراحتی دانستن برودش اگر تربیت کردن نمیخورد این پولی که دولت میدهد یکنفر معلم میخواهد که چهار نفر شاگرد تهیه نماید نه اینکه دکترو و یلهم و دکترولاند که قسول اصفهان بوده است و بخراش او آورده اند دکترو کرده اند یا همین دکتر از پیش که همین آدم است می آورند و کثرت ایشان میکنند و هی پول می دهند اینها آثار خارجی ندارند یکنفر شاگرد تا گون تربیت نکرده اند یا نتوانسته اند تربیت نمایند و این پولهایی که بجزو سربازیه فراق از مردم بدبخت ولایات می گیرند باید یک اثری هم در مقابلش باشد والا هی پولی پول که نتیجه برای مملکت حاصل نمیشود و فایده ندارد

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (اغلب گفتند کافیست)

رئیس - رأی میگیریم که داخل در شور مواد بشوم یا نه آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - دولت مجاز است دکترو و یلهم را برای مدت سه سال از تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۲۲ مطابق با چهارم تیر ۱۳۰۱ برای معلمی جراحی مدرسه طب طهران تصدیق نماید

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده در موقع شور در کلیات مختصری عرض کردم بعد دیدم عرایض بنده سوء تعبیر شد و اجازه خواستم که توضیح عرض کنم ولی توبت بمن نرسید حالا لابد در موقع مذاکره در ماده اول عرض کنم بنده برای مملکت ایران یک طبیب را که کم میدانم هیچ بلکه برای هر شهری باید یک عده طبیب اعزام نمایند و مدرسه طب را هم توسعه بدهند که در آتیه اینقدر تفاوت پیدا نشود ولی مخالفت بنده برای این بود که کثرت این شخص در زمان وزارت امور خارجه نصرت الدوله بود که ایشان در فرنگستان تشریف داشتند و آن قرارداد را و توفیق الدوله بسته بود و از طرف فرانسویها و امریکاییها تقریباً یک موافقتی با ملیون ایران شد و یک عده از معلمین مدرسه حقوق من جمله همین آقای دکتر و یلهم را هم اجیر کردند و در ماده چهارم کثرتش نوشته است اجیر می شود بتدریس حقوق جراحی که طب قانونی را در مدرسه حقوق موافق بر کرام مدرسه تدریس کند من عقیده دارم ما ها که آمده ایم اینجا برای این نیامدیم که بگوئیم کی طبیب خوب است و کی طبیب بد که رأی دهیم یا نه هم ما باید ملاحظه کنیم که دولت مالمه

رئیس آقای داور (اجازه)

داور - بنده با استفاده دکترو و یلهم

مخالفت هستم ولی مخالفت بنده از نقطه نظر آقای حائری زاده نیست و فرمایشاتی را که حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله فرمودند که سابقاً از زمان مظفرالدین شاه برای مدرسه طب معتم استخدام میشده تصدیق و تأیید می کنم و میگویم بلکه از زمان ناصرالدین شاه برای مدرسه طب معلم می آوردند که آن وقت دارالفنون می گفتند و اغلب فرانسوی بودند و گمان می کنم اگر در این مجلس شورای ملی هم نفر باشند و معتقد باشند که باید از تعلقات و اطلاعات اروپائیکه استفاده کرد و ما با آنها احتیاج داریم اگر بنده اولی آنها نباشم لاف اول دومی هستم و معتقد هستم که ما نمیتوانیم از اطلاعات اروپائیکه صرف نظر کنیم و نمیتوانیم با اطلاعات خود قناعت کنیم ولیکن این عقیده تا موقعی است که به بنیم در آن موردی که احتیاج داریم آیا از ایرانها کسی را داریم یا نداریم؟ اگر یک اشخاصی باشند که از همان مدارس که اروپائی بیرون آمده است بیرون آمده باشد و دارای همان دیدلم و همان تصدیق نامه و همان مدت عمل و همان عمل باشد و البته ما باید آنها را انتخاب کنیم تا آنها تشویق شوند و وقتیکه مسئله معلمین مدرسه حقوق اینجا مطرح بود حضرت والا شرح مفصلی راجع باینکه درسهای حقوق بچند شعبه تقسیم می شود و چه قبیل شعبی را باید درس داد و چه رتبه را باید داشت اظهار کردند که اگر باز یک موقع دیگری به مجلس بیاید بنده هم عرایض خودم را در آن قسمت عرض خواهم کرده

آقای تدین شرحی بیان فرمودند که بلی شعب طب مختلف است اشخاصی هستند که فقط باید کجالی آدرس بدهند و جراح غیر از کجالی است و بنده تصدیق دارم و بنده شنیدم که لفظ متخصص هم از طرف مخالفین موافقین گفته شد اما باید دانست متخصص را که در اروپا میگویند غیر از آن است که ما استعمال می کنیم آنها وقتی میگویند فلانی متخصص است یعنی در فلان شعبه تحصیل کرده و چندین سال در آن شعبه کار کرده است و تألیفات و کتشافات دارد باین جهت بیک چنین شخص میگویند متخصص والا بهر کس که حقوق تحصیل کرده است نمی گویند که در حقوق متخصص است و بهر کس هم که جراحی تحصیل کرده است نمی گویند جراح است دکترو و یلهم دارای تألیفات نیست اگر هست بگوئید

دکترو و یلهم یک اسم بزرگی در بین جراحان اروپائی ندارند اگر دارد بفرمائید دکترو و یلهم یکنفر جراح عادی است که تحصیلات مرتبی نموده و از مدرسه بیرون آمده و یک مدتی هم در مطبخخانه کار کرده است و بعد هم بایران آمده است حالا

باید به بنیم مادر ایران اشخاصی که در همان مدارس تحصیل کرده باشند و در همان مرخصانها کار کرده باشند و از همان معلمین که با مثال و یلهم اجازه داده اند اجازه داشته باشند داریم یا نداریم؟ اگر داریم بایستی ابتدا از آنها تشویق کنیم بنده میگویم اگر دکترو و یلهم میل داشته باشد در ایران بماند خیلی خوب است بماند و آقایانیکه بایشان اعتماد دارند به ایشان رجوع کنند بنده شخصاً با ایشان مخالفتی ندارم و از حیث مملکت ایشان هیچ بایشان اعتراضی ندارم بلکه تصدیقاتم بایران آنها است و بنده و اشخاصی که در آنجا تحصیل کرده ایم نسبت بان زبان یک مجبوری داریم و باید نسبت بدکترو و یلهم یک نظریاتی سیاسی خصوصی نیست فقط نقطه نظر این است که اگر بنده شما تحصیل کرده های خود را تشویق نکنید گنگان می کنیم که ضرر داشته باشد یکی از اشخاصی که در اروپا تحصیل کرده اند برادر همین آقای معتمدالتجار است که ایشان در الکتریسته کار کرده اند و یک مهندس بسیار خوبی در این فن هستند و الا آن چند سال است در روس مشغول خدمت هستند و کار میکنند و وقتی که بنده بایران بر میگشتم بایشان گفتم که شما بایران مراجعت خواهید کرد یا نه؟ جزاب دادند که فایده اش چیست آن روزی که بنده بایران بیایم اگر بخوانند یکنفر را استخدام بکنند مرا نخواهند آورد و فکر نمیکنند که من هم در همان مدرسه کار اروپائی تحصیل کرده است تحصیل کرده ام و از همان مدرسه فارغ التحصیل شده ام و در یک کارخانه اروپائی طرف توجه و رجوع هستم فوراً یک اروپائی که نسبت بمن در درجه دوم و سوم است می آورند همین حرف در باره یک جراح است دکترو می کسی است که سالها در زبردست دکترو که حضرت والا شاید اسمشان را شنیده باشند و یکی از آنورته های جراحی اروپا همان شخص است و این آدم در باره دکترو می نویسد که چندین سال در مطبخخانه ما یعنی مطبخخانه لزان باز سپرده شده بود بعد از کلینیک من مشغول یک قسمت کار من بوده است حالا بعد از این که ایشان یک همچو تصدیق نامه دارند و بعد از آنکه بنده میدانم که شش سال در مطبخخانه های اروپا کار کرده اند و از دکترو و یلهم خیلی بهتر هستند حالا از این قبیل اشخاص دوسه نفر نیستند بلکه ده نفر هستند است بنده عرض میکنم مدرسه طب لازم نیست دکترو و یلهم را بیآورند و اگر دکترو و یلهم می خواهد در ایران بماند ما آنها نیکه بایشان اعتماد دارند با رجوع کنند ولی وقتی که شما می خواهید بکنند استفاده کنید از نمایندگان هیچکس همچو کاری را نمی کند

علا اینطور می شود یعنی وقتیکه شما

یک جراح ایرانی داشته باشید و یک جراح اروپائی بیآورید معنایش این است که اگر تو خیلی خوب هم باشی چون ایرانی هستی ما می دهیم یکس دیگر در صورتی که از برای ما هم گرانتر تمام می شود آیا شما پول دارید؟ آن گنابادی که چند روز قبل آقای محمد هاشم میرزا شرح حال او را گفتند و اظهار کردند یک طبیب در میان پنج هه هزار نفر نیست خوب است یک طبیب صد تومانی از این اضافه و پنهم بفرستند بگناباد یا ورامین یا شهریار که مردمش مثل برگ درخت می ریزند و شما چندین سال است نمیتوانید جلوی نوبه را بگیرید شش ماه تمام است که وزارت معارف برای اعزام دو نفر طبیب معطل هست و نمی تواند ششصد تومان پول بدهد همیشه در مجلس که سؤال می شود میگویند اقدامات کرده ایم ولی دولت پول ندارد در صورتی که اگر ایشان را استخدام کنند باید مرتباً حقوقشان را بگیرند این گشاد بازها برای چیست؟

بنده نه از نقطه نظر اینکه اروپائی را داریم استخدام میکنم بلکه از نقطه نظر این که چون اشخاص ایرانی هم داریم که بدرجه اروپائی بلکه بالا تر هستند و باید آنها را مقدم داشت این عرایض را کردم

رئیس - آقای محقق العلماء (اجازه)

محقق العلماء - بنده مخالف هستم
رئیس - آقای دست قیب
دست قیب - بنده هم مخالف هستم
رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - این ادله که آقایان بیان میکنند تماماً صحیح است بفرمائید اگر داشتیم اگر معلوم است که جزا است و جزا هم لازمه شرط است اما شرط اولاً منطقی پیدا نکرده است فرمودند اگر متخصص داشته باشیم جایز نیست که از خارجه بیآوریم ولی اسم نبردند کی هست متخصص جراح غیر از متخصص سایر عملیات است اگر آقایان اسم برده بودند و گفته بودند فلان شخص و فلان طبیب در همان مدرسه که یلهم تحصیل کرده است یا در مدرسه عالی تر از او تحصیل کرده است و بیشتر از او در آن مرض خانه ها کار کرده است خیلی خوب بود ولی نفرمودند آیا کسی را دارید یا نه؟ و من تصدیق دارم که یلهم جراح است و علم او هم در ضمن عملش معلوم میشود جراحی مثل سایر علوم نیست که نظری باشد بعد بواسطه تطبیق نظریات یا عملیات معلوم شود در جراحی باید از اول داخل در عملیات بشود اگر مدرسه بعد از تحصیل یکی از قواعد جراحی مجبور است که بر مطبخخانه برود و علم خود را با عمل تطبیق کند در اینصورت کسی که جراح شد و تصدیق جراحی داشت میتواند دروس جراحی را نیز عهده دار شود و بنده

چون نشانختم آن شخص معلم را بنا بر این عرض میکنم که محتاج بیک معلم جراحی هستیم و عقیده ام این است که این کثرت را تصویب کنیم (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - معلوم می شود کافی است

رئیس - رأی میگیریم بماده اول آقایانیکه ماده اول را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت می شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - حقوق دکترو و یلهم از فراسالی چهار هزار و بانصد تومان خواهد شد

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - بنده در ماده اول اعتراض داشتم و توبت بمن نرسید عرایض را عرض کنم و در این ماده هم نمیتوانم عرایض را عرض کنم لهذا این مقدمه را مختصراً عرض میکنم از برای این که بعد در خصوص این ماده بتوانم به نتیجه برسم و آن این است همانطور که آقایان میفرمایند ما جراح لازم داریم و یک نفر جراح یا ده نفر یا صد نفر برای مملکت ما کافی نیست بلکه بیشتر لازم است البته باید متخصص در امراض هم باشد ولی از قرائی که شنیده میشود دکترو و یلهم وظیفه خود را ادا نمیکند و در معالجه امراض داخلی نیز داخل میشوند و یک فواید عمده از این مملکت میبرند و اگر آقایان تصور کنند که فقط تدریس می نمایند در مطبخخانه عملیات جراحی می کنند اینطور نیست؟ زیرا در مملکت ما آن مسئولیتی که باید باشد نیست و هر کس برای معالجه با رجوع کند در امراض غیر داخلی نیز مداخله مینماید در صورتیکه همینطور که در اینجا ملاحظه میکنید در کثرت اولیه استفاده میشود ولی او در معالجه امراض داخلی و غیر داخلی هم دخالت مینماید و اگر جرائم را دیده باشید یک قضایائی هم نسبت باور داده میشود ولی من نمیتوانم آنها را بطور صحت عرض کنم و من عقیده ندارم که یک چنین وجهه گزافی بیک نفر داده شود در صورتی که یک فواید کلی هم از این مملکت می برد

والا ممکن است بروند و ببینند که از صبح تا شام فقط عملیات او جراحی است یا کارهای دیگری هم میکنند و چون از این راه هم یک فواید کلی میبرد دلیل ندارد که این مبلغ گزاف را هم باور دهند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - ماده دوم که در کمیسیون بودجه جدید تصدیق شده است چهار هزار و بانصد تومان برای حقوق دکترو و یلهم است اولاً دولت بانصد تومان اضافه پیشنهاد کرده بود از برای خدماتی که در مطبخخانه و وزیر می نمایند مجانباً کمیسیون آن را لازم ندانست و همان حقوق سابق او که چهار هزار و بانصد تومان باشد تصویب کرده و خدمت در مطبخخانه و وزیر را او مجانباً عهده دار خواهد بود اما اشکالی را که آقای دولت آبادی می فرمایند این است که می فرمایند در امراض داخلی هم مداخله میکنند اگر لایحه دولت را ملاحظه بفرمائید می بینید که در آنجا نوشته شده است چون مدت قلیلی از کثرت دکترو و یلهم معلم جراحی و امراض داخلی چنانچه ملاحظه می فرمائید امراض داخلی هم جزء تخصصات او است و فعلاً او را برای جراحی استخدام میکنم یک اعتراض دیگری که بر دکترو و یلهم می نمایند این است که در منزل خودش طبابت می کند و از آن طبابت استفاده میکند و این اشکال هیچ وارد نیست زیرا اگر ما قبول داریم که دکترو متخصص است اگر در غیر ساعات کار خودش خدمت کند بخیر این مملکت است یعنی اگر یک مرض در آن موقعی که وقت مطبخخانه رفتن او است پیش او بیاید و بگوید وقت ندارم و تلف شود خوب نیست ولی اگر نصف شب هم مرحمت کرد و بان مرض رسیدگی کرد و آن مرض را از خطر خلاص کرد البته این یک خدمتی است و در مقابل آن خدمت اجرت میگرد و بجای بر اونست و کلای ما وقتی که طبیب بودند چه در مجلس و چه در خارج مطبخشان را فراموش نمی کردند و با اینکه حقوق می گرفتند و بایستی در هر ساعت در مجلس حاضر شوند در مطبخ خود مشغول کار هستند در صورتیکه اینکار را نباید بکنند و ما می بینیم که هر روز اینکار را میکنند و دکترو و یلهم که در ساعات برای کار خودش حاضر می شود و اگر در یک موقع دیگری از معلومات خود استفاده کند بر او بجای نیست و در مقابل زحمتی که میکشد اجرت میگیرد اگر فرض بفرمائید یک کسی وکیل باشد و در خارج هم درس بگوید آیا نباید از تدریس خرد استفاده کند ما می بینیم که کسی که وزیر است درس نداده حقوق بیچاره که درس می دهد میبرد آنوقت آقایان برد دکترو و یلهم اشکال میکنند و وزیر است و تلگراف حقوق معلمی مدرسه را میگیرد در صورتیکه کسی دیگر درس می دهد پس بر دکترو و یلهم که در ساعات غیر از کثرتش طبابت می نمایند این اشکال وارد نیست در هر حال همانطور که ماده اول را آقایان تصویب کردند کمیسیون دید که نمی تواند کمتر از چهار هزار و بانصد تومان تصویب کند زیرا

قرارداد اولیه اش چهار هزار و بانصد تومان بوده است حالا در اینجا نیز قید کرده است که در مطبخخانه و وزیر هم مجانباً خدمت کند بنا بر این دیگر ممکن نیست از حقوق اولیه او کمتر بشود این بود که کمیسیون بودجه هم تصدیق کرد که سالی چهار هزار و بانصد تومان باور داده بشود

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی میگیریم بماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

(ماده سوم بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سوم - برای خرج مراجعت دکترو و یلهم پس از انقضای کثرت دو هزار فرانک بترخ روز تأدی خواهد شد و چنانچه در موقع مراجعت بواسطه اغتشاشات مجبور عبور از نقاطی شود که اضافه بر مبلغ مقرر احتیاج بخرج مسافرت داشته باشد بتصدیق قسولهای محلی دولت علیه ایران منظور خواهد شد ولی در هر حال این اضافه از هزار فرانک تجاوز نخواهد کرد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اگر چه می دانم آقایان هیچ توجهی بر عرایض بنده که از روی حقیقت است نمی فرمایند لیکن باز عرض میکنم من نگفتم دکترو و یلهم جراح نیست بلکه عرض کردم که ما باید متوجه بودجه مملکت باشیم و مالیه مملکت را در مصرف لازم خود صرف نکنیم اینکه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که تدریس می کند و پول می گیرد بنده عرض می کنم که مجلس شورای ملی ریاست دارد بر تمام افراد ملت و معلم است بر تمام افراد ملت می بایستی برود ارائه طریق کند بنده عرض می کنم در صورتی که مادر مملکت خودمان نظیر این اشخاص را داریم لازم است اینست که اولاد های خودمان را تشویق کنیم مجلس شورای ملی باید کاری کند که محبت ایران در دل ایرانی بیشتر بشود تا پون خودش را حتر بخارجه بدهد اگر یک طبیب داخلی بیاید ۵ تومان هم باونمی دهد اما اگر یک شاپو بسریاید ۵۰ تومان باو خواهند داد ما باید این حس را در دل مردم ایجاد کنیم حالا باین عرایض بنده گوش نمی دهید نه بدید والا از روی سوزن این حرفها را میزنم گذشته از این وقت این پولها را می دهید مطلب هم تشکیل می دهد و هر قدر رش می خواهد حق المعانیه معین می کند و وزارت معارف هم ابدأ توجه نمی کند که بجه دلیل این اندازه پول از مردم میگیرد خوب است لاف ازل برای حق المعانیه مطب او یک حدی

جرايد اعلان می کنند ؟

وزیر مالیه - اگرچه بنده از سؤال آقای آقامیرزا سید حسین مسبوق بودم و هیئت رئیسه هم مستحضر بودند ولیکن برای استحضار خاطر آقایان نمایندگان باید عرض کنیم ترتیب ارزاق ولایات غیر مستقیم تغییر کرده است یعنی رئیس کل مالیه بعد از ورود مدتی بود اقدام میکرد ترتیبی برای تمرکز عایدات بدهد و بواسطه اهمیتی که در قسمت قشونی است اول زحمتی کشیدند که بتوانند ماه بماه بودجه مصوبه مجلس را بوزارت جنگ بپردازند تا آنها هم در ولایات و جا های دیگر برای حقوق خودشان متعرض مامورین مالیه نشوند این قسمت را فعلاً موقتیت حاصل کرده اند و پریروز یکماه حقوق وزارت جنگ را دادند و کلیه اداراتی که عایدات آنها را وزارت جنگ به مصرف میرساند مجزا شده بود و فعلاً وزارت مالیه مشغول تحویل گرفتن آنها است که يك قسمت هم مسئله ارزاق است از ولایات و بعضی جاها که جنس بود يك قسمت را ارزاق میگرفت و يك قسمت را وزارت جنگ حالاتنگراف متحدالمالی مخابره شده است که کلیه جنس و نقد را از مستقیم و غیر مستقیم باختیار مالیه بگذارند و جنس هم آنچه بوده است بایک دستور معین حمل کنند و مابقی را درمحل نگاهدارند تا دستور فروش آنها برسد البته در آن قسمت جو کاشان هم اگر برای کاشان لازم باشد مخالفت نخواهد شد همیشه از قم و عراق جنس کاشان و جاهای دیگر حمل میشده و البته امسال هم باید بشود يك موضوعی هم که چند وقت قبل در مجلس سؤال شده و بنده عرض کردم پس از تحقیق بعرض میرسانم مدتی است نتیجه او حاصل شده است لازم دیدم برای استحضار خاطر آقایان عرض کنم راجع بوجهی بود که از خراسان بر کز فرستاده بودند و جزء ارسالی منظور بود لیکن در مرکز گفتند نرسیده است بامعلوم نیست این موضوع را بیک کمیسیون در وزارت مالیه رجوع کردند و پس از تحقیقات معلوم شد کلیه وجوهی که در سال تیلان تیل و یونت تیل بر کز رسیده بوده است چهارصد و پنجاه هزار تومان بوده که دوپست و شصت هزار تومان آن ارسالی است که در حساب خراسان و مر کز نیست و صدونود و هشت هزار تومان وجوهی است که در حساب مالیه خراسان بعنوان ارسالی محسوب شده ولی در مرکز بوده است و این وجهی است که بوزارت دربار از مرکز حواله شده است لیکن در آن موقع غفلت کرده اند زیرا وجوه پرداختی دربار جزء مرکز است و صندوق مرکز باید بدهد بعد که حواله بخراسان کردند لازم نبود که آن حواله را بفروستند صندوق مرکز از يك

طرف جزء واردی و جمع بنویسند و از طرف جزء خرج اینکار نوشته شده است و حواله بخراسان رفته است و او هم بجزء حواله کرده است صورتش هست ولی در صندوق مرکزی نه در جمع و نه در خرج چیزی منظور نیست فقط در این رسیدگی که اخیراً شد معلوم شد که از این صد و نود و هشت هزار تومان آنچه که به دربار باید برسد صد و هشتاد و هشت هزار تومان بوده و ده هزار تومان آن نرسیده بعد معلوم شد در جزء وجوهی که رئیس مالیه خراسان گرفته ده هزار تومان هم جزء اختلافات آورفته است و جزء ارسال خودش منظور داشته بود ولی نرسیده است و ده هزار تومان هم جزء اختلافات آن تحویلدار است يك قسمت دیگری از این حساب ده هزار تومان بود که در آن سال بطومانیان حواله داده بودند و آن سالی بود که طومانیان خریداری جنس می کرد.

ولی این مبلغ جزء جمع حساب نیامده بود اخیراً بتجارتخانه طومانیان رجوع شد معلوم شد باور رسیده است ولی او هم جزء حساب دولت منظور نداشته است بالاخره آنرا بر گردانند و جزء مطالبات دولت از اداره طومانیان قرار دادند غیر از این مطلب سیصد و پانزده هزار تومان دیگر وجوهی است که از بابت قیمت غله روسها در موقعی که در خراسان بوده اند گرفته اند بعد که دیوبو بخراسان رفته بود این سیصد و پانزده هزار تومان را جزء ارسالی مرکز منظور داشته است.

ولی معلوم نبود از چه بابت است بعد معلوم شد از بابت قیمت غله است که قشون روس از بعضی نقاط خراسان برده اند و در هر فرقه آنچه از این وجوه ارسالی فعلاً در دست هست و بدست آمده که محل بوده و از میان رفته بوده است بیست و سه هزار تومان و کسری است که دوهزار تومان جزء بدهی طومانیان منظور شده ده هزار تومان هم جزء حساب تحویلدار است که تقریباً قریب پنجاه و دوسه هزار تومان بدهکار است و سه هزار تومان هم از بابت قیمت غله قشون روس است که آنسال گرفته اند.

(بعضی گفتند اسم تحویلدار چیست) میرزا محمد علی خان تحویلدار است و اسم او را هم آقایان شنیده اند بعد معلوم شد که مال يك سال هم نبوده است و از چندین سال قبل مندرجاً يك وجوهی اختلاس کرده است چون وجوه و اسناد در دست خودش بوده است بعد که کشف شده يك قسمت را بگردن کوملیس انداخت و يك مقداری را خود او برده بود و تقریباً سی و دوسه هزار تومان از اموال و خانه او را که داشت فروخته و از بابت طلب دولت حساب کردند مابقی بدهی او است و الان هم در طهران

است و مشغول تعقیب هستیم و نتیجه اش را شاید در موقع دیگر بعرض مجلس شورای ملی برسانم ولی چون این موضوع چندی بود که سؤال شده بود بعرض رساندم و يك موضوع دیگری هم که باید عرض کنم این است که چند روز قبل در مجلس شورای ملی رأی داده شد که خروج طلا و نقره از مملکت قذغن باشد این مطلب خیلی مهم است و حتی تقاضا و انتظار رئیس مالیه هم این بود که قبل از رأی دادن بنظر او برسد زیرا چون مسئله فنی است و در هر حال این مسئله رأی داده شده است ولی عرض می کنم که این موضوع چهار پنج سال است قذغن شده بوده است.

سلیمان میرزا ولی دولت همیشه اجازه داده است. وزیر مالیه و اجازه که دولت می داده است برای زوار تعینات بوده است تا بیست تومان حق داده شده بود همراه خود ببرند ولی دولت دید این مبلغ زیاد است و خواستند کسر کنند حالا نمی دانم در مجلس شورای ملی چه قدر تصویب شده است که زوار حمل نمایند؟

(جمعی از نمایندگان - دوازده تومان)

وقتی دیگری که دولت اجازه داده بود مقداری بود که بانک ملی خواست برای مصارف عملیات نفت جنوب ببرد.

سلیمان میرزا - نصرت الدوله - بلی ما هم بهمین جهت منع کردیم وزیر مالیه و غالباً از راه داخله میبردند ولی بعضی اوقات زحمت کرایه برای آنها صرف نمیکرد.

بنابراین قرار شد بطوری که کاپوتاژ از کرمانشاه ببرند و از راه بغداد به معمره وارد کنند گمرک معمره عیناً تحویل میگردد ولی اصل مطلب راجع بخروج و صدور نقره بود که يك موضوع دیگری است و همیشه نمی شود گفت که خروج نقره فایده دارد مثلاً از دوماه قبل بانطرف دیگر نقره خارج نمی شود برای اینکه صرف ندارد و قیمت نقره در لندن از سی و هفت بسی و دو رسیده است.

ولی در دوسه ماه قبل فایده داشت و می بردند و هر صورت دولت میخواهد از اینکار جلوگیری کند و فقط تصمیم گرفتن کافی نیست بلکه باید وسائل جلوگیری را فراهم بیاورد و در دو نقطه است که بواسطه آن دولت دچار محذور است یکی در يك قسمت از خلیج و دیگری هم در قسمت پشت کوه که وسائل جلوگیری و مخالفت خیلی کم است برای قسمت خلیج که از همه جا بیشتر وسائل قاچاق فراهم است تقریباً در یکی دوماه قبل يك پیشنهادی بمجلس شده است که اداره گمرک

برای جلوگیری از خروج نقره قاچاق و مال التجاره قاچاق چنانچه يك مال التجاره قاچاق هم در اصفهان پیدا شده است که می فروشند و گمرک ندارد و آنها هم از قسمت خلیج آورده اند و فعلاً هم دولت چند کشتی دارد که به درد قاچاق گیری نمی خورد و برای تهیه وسائل جلوگیری اداره گمرک پیشنهاد کرده است که بازده کشتی کوچک موثردار و شرع دار تهیه کند که در امتداد خلیج پستهای تقشیش بگذارند که این کشتی های کوچک بخوبی می توانند قاچاقچی را تعقیب کنند و از این راه نه فقط جلوگیری از خروج طلا و نقره می شود بلکه برای گمرک هم صرفه دارد و همینطور در برازجان و اصفهان دوسه پست تقشیش از برای جلوگیری از قاچاق لزوم داشتند حالا اگر مجلس شورای ملی معتقد است باید این قسمت را که راجع بوسائل این امر است زودتر تصویب بفرمایند که بشود وسائلش را فراهم کرد اگرچه در قسمت بری هم دولت اقدامات کرده و بازوئسای طرف جنوب مذاکراتی شده است ولی جلوگیری از بحری خیلی مشکل است استدعا می کنم زودتر کمیسیون بودجه رأی خودش را بدهد که وسائل تسهیل اجرای رأی مجلس فراهم آید

رئیس - راجع به کنتراکت کتر و بلهلم اشتباهی شده است می بایستی باورقه رأی گرفت

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه بترتیب ذیل حاصل گردید) عدله حضار - (غیر معلوم - ورقه سفید علامت قبول (۴۵) ورقه کبود علامت رد رئیس - با کثرت ۴۵ رأی تصویب شد.

(مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد) جلسه ۱۹۷

صورت مشروح مجلس یوم چهارشنبه پنجم جدی ۱۳۰۱ مطابق هشتم جمادی الاولی ۱۳۴۱ مجلس دوساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت جلسه یوم ۳ شنبه چهارم جدی را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - آقای آقاسید فاضل (اجازه)

آقاسید فاضل - بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بتوسط کمیسیون از مقام ریاست استعجالت کرده بودم رئیس - باید بکمیسیون مراجعه